

سرمایه اجتماعی و نقش آن در تشکلهای تولیدی

(مطالعه موردی حوزه آبریز کرخه)

مصطفی ازکیا، سید احمد فیروزآبادی

در این مقاله پس از بیان موضوع و مباحث نظری مربوط به سرمایه اجتماعی، در بحث روش‌شناسی به روش تحقیق و تکنیک‌ها و ابزار تحقیق، دو نوع جامعه آماری و چگونگی تعیین حجم نمونه اشاره شده، و سپس به بررسی ویژگی‌های منطقه تحقیق از بُعد جمعیت‌شناختی، توسعه‌یافتگی، وضعیت فرهنگی و قومیتی و تأثیر آن در تشکلهای تولیدی پرداخته شده است. نظام‌های بهره‌برداری عشیره‌ای و ویژگی‌های آن در سطح بیت و بین بیوتات مورد مطالعه قرار گرفته و نتایج تحقیق نشان داده که حسن اعتماد در میان اعضای بیت، هنجارهای معامله قرار گرفته و نتایج تحقیق نشان داده که حسن اعتماد احترام رهبران محلی نقش مثبت و تأثیرگذاری بر واحد تولیدی بیت در ابعاد تصمیم‌گیری بهتر، اعمال مدیریت تولید به نحو مطلوب و افزایش میزان مشارکت‌های تولیدی داشته است. این شعاع اعتماد و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در سطح بیت همراه با نوع دیگری از روابط و شبکه‌های بین بیت‌ها در سطح طایفه باعث شده که سرمایه اجتماعی بین گروهی بستر مناسبی برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری توسعه‌ای تشکلهای تولیدی در بعد ارشادی، ترویجی، خدماتی از طریق سرمایه اجتماعی بین بیتی در سطح طایفه و بعد مشارکتی و تولیدی از طریق سرمایه اجتماعی درون‌بیتی فراهم نماید.

کلیدواژگان: سرمایه اجتماعی، بیت، تشکلهای تولیدی، نظام‌های بهره‌برداری، دانش بومی، نظام بهره‌برداری عشیره‌ای، حوزه آبریز کرخه.

مقدمه

توجه یک‌سویه به علم و تکنولوژی به معنای تقلیل‌گرایی^۱ و اغماض و چشم‌پوشی در مورد گنجینه‌ای از دانش، اطلاعات، تجربه و... در طول سال‌های متمادی و نسل‌های مختلف از جمله پرسش‌های مطرح در حوزه مطالعات توسعه‌ای بوده است. این‌که تجارب چند هزار ساله انسانی در حیطه‌های مختلف فنی، اجتماعی و فرهنگی می‌تواند در قالب و شکل علوم و تکنولوژی جدید به کار گرفته شود از جمله مباحثی بوده که باعث پیدایش بحث دانش بومی^۲ شده است. چمبرز با تأکید بر نقش مردم در فرایند توسعه معتقد است که عبارت دانش مردم روستایی رساتر از سایر عبارت‌ها و واژه‌ها است. مردم روستا، شامل کشاورزان تولید کننده کوچک و بزرگ، خریداران نهاده‌ها، فروشندگان محصولات کشاورزی و غیره است و کلمه مردم نیز به این نکته اشاره دارد که این دانش در «سینه» مردم وجود دارد.

البته دانش بومی از ویژگی‌هایی نیز برخوردار است مانند عمومی‌گرایی^۳، یعنی این‌که اکثر روستاییان محلی تمایل دارند اطلاعات کمی در مورد هر چیز داشته باشند. یعنی مجموعه‌ای از مشکلات را با هم می‌بینند و درصدد حل آن‌ها از طریق به‌کارگیری دانش خود در قالب یک دید کل‌نگر هستند. مثلاً یک کشاورز مزرعه خود را به صورت یک کل و نه به مثابه قسمت‌های تجاری جداگانه می‌بیند. از دیگر ویژگی‌های دانش بومی تلفیق فرهنگ و اعتقادات دینی است، اعتقادات دینی به‌عنوان بخشی از دانش بومی است که ضرورتاً از «دانش فنی»^۴ قابل تفکیک نمی‌باشد. ویژگی دیگر دانش بومی ترجیح کمترین خطرپذیری بر بیشترین سوددهی است.

معمولاً دانش بومی را در یک گونه‌شناسی^۵ به دو حوزه کلی تقسیم می‌کنند: یک، دانش بومی فنی^۶ که گستره آن به ابعاد گوناگون فنی، کاربردی و عملیاتی برمی‌گردد و این نوع دانش بومی به‌علت قوی‌تر بودن جنبه‌های عینی آن بیشتر توجه محققان را به خود جلب کرده است. دوم، دانش بومی اجتماعی و فرهنگی^۷ است که شاید به لحاظ اهمیت و کاربرد از سطح بالاتری نسبت به دانش فنی برخوردار باشد. این دانش مقوله‌هایی مثل ارتباطات، مدیریت، سازوکارها، سازمان‌های بومی، نظام تعاملات اجتماعی و امثال آن‌ها را در حیطه وجوه اجتماعی، فرهنگی در توسعه روستایی و ترویج کشاورزی در راستای تحقق اهداف توسعه پایدار را شامل می‌شود.

1. Reductionism

2. Indigenous Knowledge

3. Generalism

4. Technical

5. Typology

6. ITK (Indigenous Technical Knowledge)

7. Social and Cultural Indigenous Knowledge

این نوع از نظامهای دانش بومی از پتانسیل بالایی برخوردار است و بررسیها نشان می‌دهد که علت شکست بسیاری از پروژهها و برنامههای توسعه‌ای عدم تطابق دانش مذکور با سازمانهای محلی بوده است.

در این تحقیق دانش بومی از نوع دوم مدنظر است علاوه بر آنچه گفته شد در این بررسی وضعیت جمعیت‌شناسی منطقه مورد مطالعه قرار می‌گیرد و این‌که تأثیر جنگ بر وضعیت فعلی ساختار سنی، تحصیلی و اشتغال منطقه چه بوده است؟ وضعیت توسعه‌یافتگی و شاخصهای بررسی آن در منطقه مورد مطالعه به چه صورت می‌باشد؟ درصد توزیع روستاهای منطقه تحقیق به لحاظ درجه توسعه‌یافتگی سه‌گانه چگونه است؟ وضعیت فرهنگی و قومی مردم منطقه چگونه است؟ نکات قابل توجه در ساختارهای اجتماعی، منزلتی و باوری-اعتقادی آنها چیست؟ رابطه عناصر سرمایه اجتماعی با مشارکت اجتماعی به چه صورت است؟ وضعیت تشکلهای تولیدی مبتنی بر بیت به چه صورت بوده و رابطه آن با سرمایه اجتماعی درون‌گروهی چگونه است؟ رابطه اجتماعی و فرهنگی اعضای بیوت با یکدیگر در سطح طایفه چگونه است و رابطه آن با سرمایه اجتماعی در سطح طایفه و بین بیتهای به چه صورت است؟ و در بخش نتیجه‌گیری تأثیر ساختار سرمایه اجتماعی در بیتهای و بین بیتهای تا سطح طایفه بر تشکلهای تولیدی بررسی شده است.

چارچوب نظری

سرمایه اجتماعی ارتباطات درون‌گروهی و بین‌گروهی

همان‌طور که سرمایه فیزیکی با ایجاد تغییرات در مواد جهت شکل دادن به ابزارهایی که تولید را تسهیل می‌کنند به وجود می‌آید، سرمایه انسانی با تغییر دادن افراد برای کسب مهارت‌ها، توانایی‌هایی در آنها به وجود می‌آورد و افراد را در رفتار به شیوه‌ای جدید توانا می‌سازد. سرمایه اجتماعی به نوبه خود وقتی به وجود می‌آید که روابط میان افراد به شیوه‌ای دگرگون شود که کنش را تسهیل نماید (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۵).

سرمایه اجتماعی مفهومی است که پیشینه طولانی ندارد. کاربرد این مفهوم به تدریج از دهه ۹۰ به این سو در ترها و مقالات دانشگاهی به وجود آمد. به‌ویژه در رشته‌های جامعه‌شناسی، اقتصاد، سیاست و آموزش با کارهای افرادی چون جیمز کلمن، رابرت پاتنام، فوکویاما و بوردیو افزایش یافته است. (الن، فرانس و گابریل، ۱۹۹۸). کلمن سازمان اجتماعی را پدیدآورنده سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرد، ولی معتقد است که سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود. به‌زعم وی سرمایه اجتماعی شیئی واحدی نیست بلکه انواع چیزهای گوناگونی است

که دو ویژگی مشترک دارند: همه آن‌ها جنبه‌ای از ساخت اجتماعی هستند و کنش‌های معین افراد را در درون ساختار تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی مانند شکل‌های دیگر سرمایه مولد است و دستیابی به هدف‌های معین را که در نبود آن دست‌یافتنی نخواهد بود امکان‌پذیر می‌سازد (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۴).

دیدگاه‌های روبرت پاتنام و جیمز کلمن از سرمایه اجتماعی نزدیکی فراوانی با یکدیگر داشته و بر محورهای سه‌گانه به شرح ذیل در تعریف سرمایه اجتماعی تأکید دارند.

شبکه‌های مشارکت مدنی

شبکه‌های مشارکت مدنی یکی از اجزای ضروری سرمایه اجتماعی می‌باشند و هرچه این شبکه‌ها در جامعه‌ای متراکم‌تر باشند احتمال همکاری شهروندان در جهت منافع متقابل بیشتر است اما چرا شبکه‌های مشارکت مدنی چنین تأثیر سودآور قدرتمندی دارند؟ شبکه‌های مشارکت مدنی، هزینه‌های بالقوه عهدشکنی را در هر معامله‌ای افزایش می‌دهند. فرصت‌طلبی منافی را که فرد انتظار دارد از دیگر معاملات همزمانش و معاملات آینده نصیبش شود، به خطر می‌اندازد. شبکه‌های مشارکت مدنی در زبان **تئوری بازی‌ها** پیوند درونی بازی‌ها را افزایش می‌دهند. (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۷)

به عبارت دیگر، منظور این است که فرد به سبب عهدشکنی و عدم پایبندی به هنجاری مشوق عمل جمعی از سوی گروه مجازات، طرد و در نتیجه دچار ضرر و زیان خواهد شد. شبکه‌های مشارکت مدنی هنجارهای قوی معامله متقابل را تقویت می‌کنند. هموطنانی که در بسیاری از زمینه‌های اجتماعی ارتباط متقابل دارند «آماده هستند تا هنجارهای قوی رفتار قابل قبول را توسعه دهند و انتظارات متقابلشان را در بسیاری از ارتباطات تقویت‌کننده همکاری با یکدیگر منعکس کنند.» این هنجارها را «یک شبکه ارتباطی که بر کسب شهرت در وفای به عهد و پذیرش هنجارهای رفتار جامعه محلی متکی است، تقویت می‌کند» (همان: ۲۹۸).

شبکه‌های مشارکت مدنی ارتباطات را تسهیل می‌کنند و جریان اطلاعات را در مورد قابل اعتماد بودن افراد، بهبود می‌بخشند. شبکه‌های مشارکت مدنی اجازه می‌دهند که حسن شهرت‌ها به دیگران انتقال یافته و پالایش شوند. ارتباطات بیشتر (مستقیم و غیرمستقیم) بین مشارکت‌جویان باعث اعتماد متقابل بیشتر بین آن‌ها می‌شود و روند همکاری آن‌ها را تسهیل می‌کند. (همان: ۲۹۸).

شبکه‌های مشارکت مدنی تجسم موفقیت پیشینیان در همکاری هستند که می‌توانند به عنوان یک چارچوب فرهنگی شفاف برای همکاری آینده عمل نمایند. شبکه فرهنگی یک تداوم ایجاد

می‌نماید به طوری که راه‌حل غیررسمی مشکلات معامله در گذشته را به زمان حال انتقال می‌دهد و این راه‌حل‌های غیررسمی را در کوران تغییرات اجتماعی به منبع مهم تداوم تبدیل می‌سازد. شبکه‌های مشارکت مدنی مورد نظر کلمن و پاتنام شامل شبکه‌های افقی می‌باشد، نه عمودی، زیرا در شبکه‌های عمودی جریان اطلاعات غیر موثق‌تر از جریان افقی اطلاعات هستند و بخشی از آن به این دلیل است که اطلاعات قابل اتکا و درست مانع بهره‌کشی و استعمار محسوب می‌شوند. مهم‌تر این‌که مجازات‌هایی که از هنجارهای معامله متقابل در مقابل تهدید فرصت‌طلبی حمایت می‌کند در شبکه‌های عمودی، کمتر برای مقامات عالی وضع می‌شود و اگر هم وضع شوند کمتر اجرا می‌گردند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۸).

هنجارهای معامله متقابل

هنجارها هنگامی به وجود می‌آیند که «یک عمل تجلیات بیرونی مشابهی برای تعداد دیگری از افراد دارد. از این رو بازارهای برخوردار از حق کنترل آن عمل به آسانی ایجاد نمی‌شوند و هیچ بازیگر واحدی نمی‌تواند به گونه‌ای مفید در معامله‌ای برای به دست آوردن حق کنترل شرکت کند» (همان: ۲۹۳). هنجارها از طریق سرمشق شدن و اجتماعی شدن (از جمله آموزش مدنی) و نیز از طریق مجازات‌ها در افراد جامعه تلقین و تثبیت می‌شوند (همان: ۲۹۳). معامله متقابل عمومی (نه این‌که من برای شما این کار را خواهم کرد به خاطر این‌که شما قدرتمندتر از من هستید، و حتی نه این‌که من اکنون این کار را برای شما انجام می‌دهم به این امید که شما در یک برهه سخت دیگر کاری برای من انجام دهید) سرمایه اجتماعی عظیمی ایجاد می‌کند و موجب تحکیم همکاری می‌گردد (همان: ۳۱۳). هنجارهایی که اعتماد را تقویت می‌کنند توسعه می‌یابند چراکه آن‌ها هزینه معاملات را پایین آورده و همکاری را تسهیل می‌نمایند (همان: ۲۹۴؛ نورث، ۱۹۷۴: ۳۶-۴۵؛ گرانووتر، ۱۹۸۵: ۴۸۹). مهم‌ترین این هنجارها هنجار معامله متقابل است. معامله متقابل بر دو نوع می‌باشد: گاهی اوقات متوازن^۱ (یا ویژه) و گاهی اوقات عمومی^۲ یا شایع نامیده می‌شود. معامله متقابل متوازن به مبادله همزمان چیزهایی با ارزش برابر اشاره دارد مانند موقعی که همکاران روزهای تعطیلشان را با هم عوض می‌کنند یا نمایندگان پارلمان با هم زدوبند می‌کنند، اما معامله متقابل عمومی به رابطه تبادل مداومی اشاره دارد که در همه حال یک‌طرفه و غیر متوازن است اما انتظارات متقابلی ایجاد می‌کند مبنی بر این‌که سودی که اکنون اعطا شده باید در آینده بازپرداخت گردد. برای مثال دوستی اغلب به معامله

1. Balanced

2. Generalized

متقابل عمومی تبدیل می‌شود «هیچ وظیفه‌ای ضروری‌تر از جبران محبت نیست. هیچ‌کس به فردی که یک محبت یا لطف را فراموش می‌کند، اعتماد ندارد.» (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۳).
 هنجارهای معامله متقابل یکی از مولدترین اجزای سرمایه اجتماعی است. جوامعی که در آن‌ها از این هنجار پیروی می‌شود به گونه‌ای مؤثر می‌توانند بر فرصت‌طلبی فائق آمده و مشکلات عمل جمعی را حل نمایند (گولدنر، ۱۹۶۰: ۱۶۱). گرانووتر معتقد است هنگامی که توافقاتی درون یک چارچوب بزرگ‌تر روابط شخصی و شبکه‌های اجتماعی حاصل می‌شود اعتماد ایجاد می‌گردد و انگیزه تخلف از مقررات رنگ می‌بازد.

اعتماد^۱

اعتماد باعث تسهیل همکاری می‌شود و هر چه اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود و خود همکاری و نیز اعتماد ایجاد می‌کند. اعتماد که یکی از عناصر ضروری تقویت همکاری است یک عنصر غیر اختیاری و ناآگاهانه نمی‌باشد. اعتماد مستلزم پیش‌بینی رفتار یک بازیگر مستقل است. «شما برای انجام دادن کاری صرفاً به این دلیل که فردی (یا نهادی) می‌گوید آن را انجام خواهد داد به او اعتماد نمی‌کنید. بلکه شما تنها به این دلیل به او اعتماد می‌کنید که با توجه به شناختتان از خلق و خوی او، انتخاب‌های ممکن او، تبعاتشان و توانایی او، حدث می‌زنید که او انجام دادن این کار را بر خواهد گزید.» (پاتنام: ۱۳۸۰: ۲۹۲) در جوامع کوچک و به هم پیوسته این پیش‌بینی براساس چیزی انجام می‌شود که ویلیامز آن را «اعتماد صمیمی» می‌نامد یعنی به اعتمادی که به آشنایی نزدیک با این فرد بستگی دارد. اما در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر یک اعتماد غیرشخصی‌تر یا شکل غیرمستقیمی از اعتماد (اعتماد تعمیم‌یافته^۲ و یا اعتماد نهادی) ضرورت دارد. (ویلیامز: ۱۲ و ۸).
 در این تحقیق عناصر تشکیل‌دهنده مفهوم سرمایه اجتماعی عبارتند از: اعتماد اجتماعی بین فردی، اعتماد اجتماعی نهادی، هنجار تمایل به کار گروهی و هنجار وفاق (تعادل و تعاون) اجتماعی می‌باشد.

ولکاک و نارایان (۲۰۰۰: ۲۲۵-۲۴۹) در مقاله خویش به رابطه شبکه‌ها و تأثیر آن بر سرمایه اجتماعی، پرداخته‌اند و علاوه بر ذکر دیدگاه‌های نظریه‌پردازان شبکه‌ای در حوزه مطالعات سرمایه اجتماعی که افرادی مانند بارت^۳، مسی^۴ و پورتر^۵ را شامل می‌شود. اکثر

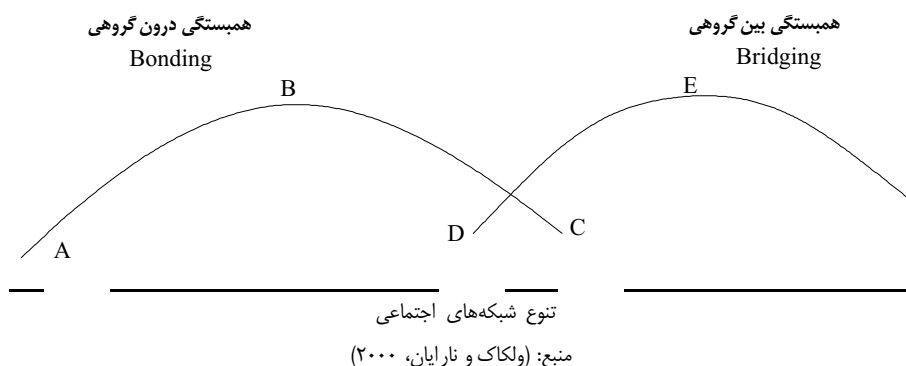
1. Trust
 3. Burt
 5. Portes

2. Generalized Trust
 4. Massey

نظریه‌های مربوط سرمایه اجتماعی را مانند یک شمشیر دو لبه دیده‌اند که از دو بعد تشکیل شده و همزمانی این دو بعد را باعث ایجاد رشد و توسعه دیده‌اند.

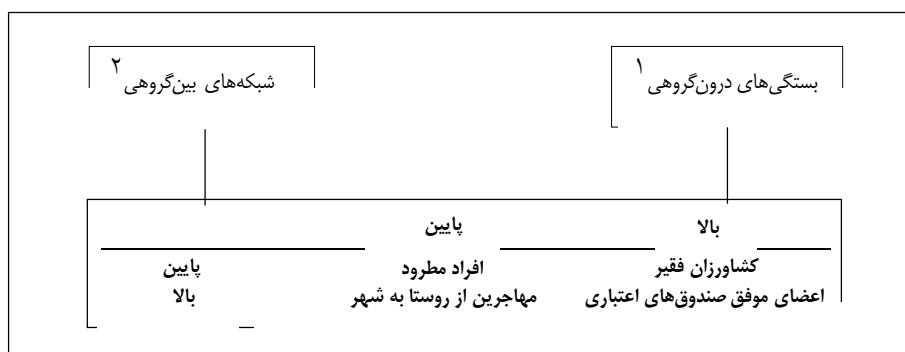
همبستگی‌های درون‌گروهی^۱ به گونه‌ای که هنجارهای اعتماد و معامله متقابل در سطح درون‌گروهی تا حد بسیار بالایی به چشم می‌خورد و این امر باعث تقویت و انسجام گروهی می‌گردد. در مطالعه میدانی در منطقه همان‌گونه که در قسمت‌های بعدی بحث خواهد آمد این‌گونه همبستگی‌ها از بعد طایفه بیشتر به صورت عینی و ملموس در سطح «بیت» ملاحظه شده است به گونه‌ای که افراد متعلق به یک بیت در کلیه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی به یکدیگر کمک، همیاری و تعاون می‌کنند.

ولکاک و نارایان در کنار این نوع همبستگی به نوع دیگر از همبستگی یعنی **همبستگی بین‌گروهی** اشاره می‌کنند که این نوع همبستگی به ارتباط بین گروه‌ها بر می‌گردد. ایشان مثالی از صندوق مالی برای پرداخت وام به اعضا می‌آورد. (A) و می‌گویند در ابتدا این امر باعث می‌شود که افراد بتوانند از امکانات صندوق استفاده کنند و سطح بازدهی در بین اعضا افزایش یابد. (B) لیکن از آنجا که امکانات صندوق محدود است با افزایش نسل بعدی جمعیت، سهم اعضای اولیه اندک‌اندک کاهش می‌یابد. (C) در چنین شرایطی افراد فقیر خود را از جامعه خود به سمت کسب امکانات بیشتر جدا کرده (D) و سعی می‌کنند از طریق ارتباط با سایر گروه‌ها که فرصت‌های اقتصادی بهتری دارند مرتبط سازند (E) و مهاجرت از روستاها به شهرها، نمونه بارزی از این حرکت می‌باشد (همان: ۲۳۱).



نمودار شماره ۱. نمودار رابطه سطح رفاه و نوع شبکه‌های اجتماعی

1. Bonding



نمودار شماره ۲. ابعاد سرمایه اجتماعی در سطح اجتماعی (ولکاک و نارایان، ۲۰۰۰: ۲۳۱)

بنابراین سرمایه اجتماعی در بعد درون‌گروهی از یک جهت دارای نقاط مثبت و ارزنده‌ای است که باعث رشد و ارتقای گروه می‌شود. اما از طرف دیگر محدود ماندن به ارتباطات تنگ درون‌گروهی باعث می‌شود که از یک طرف خلاقیت، نوآوری و هرگونه کارآفرینی کاهش یابد اما از طریق استفاده از جنبه‌های مثبت این ظرفیت که در بین بیوت عرب خوزستان به چشم می‌خورد می‌توان با هدایت سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و اتصال آن‌ها از طریق نهادهای رسمی گونه دوم سرمایه اجتماعی، یعنی سرمایه اجتماعی بین‌گروهی را افزایش داد و شرایط و زمینه‌های رشد و توسعه منطقه را فراهم نمود.

در قسمت آخر این بحث چگونگی استفاده از سرمایه اجتماعی درون بیت‌ها برای برپایی تشکل‌های تولیدی با استفاده از سیاست‌های حمایتی نهادهای رسمی و استفاده از سرمایه اجتماعی بین‌گروهی (بیتی) در سطح طایفه برای سازماندهی فعالیت‌های کشاورزی و اقتصادی توسط مراکز ترویجی، خدماتی و... آورده شده است.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق بر دو پایه اصلی قرار داشته است. اول، مطالعات اسنادی که به بررسی کلیه نوشته‌های مربوط به موضوع مطالعه مانند: مطالعات مردم‌شناختی، تاریخی و جامعه‌شناختی پیرامون قومیت‌ها و قوم عرب، نظام‌های بهره‌برداری گذشته و حال در منطقه، تشکل‌های سنتی و موجود و موضوعات دیگر پرداخته است. دوم، مطالعه پیمایشی که به شناخت قومیت‌ها و

1. Intracommunity ties (bonding)

2. Extracommunity networks (bridging)

وضعیت مشارکت در تشکیل انواع نهادهای تولیدی می‌پردازد. این تحقیق در بحث شناخت وضعیت موجود توصیفی است و در بررسی نتایج برای رسیدن به راه‌ها و روش‌های افزایش مشارکت بهینه در تشکل‌های تولیدی تحلیلی است.

ابزار تحقیق

ابزار تحقیق در این پژوهش پرسشنامه بوده که توسط پژوهشگران و به‌صورت مصاحبه حضوری و جمع‌آوری اطلاعات در دو سطح روستا و خانوار تکمیل گردیده است.

جامعه آماری

جامعه آماری شامل ۲۰۷ آبادی (منطقه روستایی) از شهرهای دشت آزادگان، دهلران، شوش و اهواز است که در قلمرو جغرافیایی دشت‌های زمزم، حمیدیه، قدس، سوسنگرد شرقی، سوسنگرد غربی، کوثر، چمران، فکه، اوان، دوسالقی، اریض و باغه قرار می‌گیرد. جامعه مورد بررسی به لحاظ سطح تحلیل به دو جامعه آماری تفکیک شده است.

۱. روستاهای قلمرو مورد مطالعه

۲. خانوارهای ساکن در روستاهای مورد مطالعه

در جامعه اول واحد نمونه‌گیری و واحد تحقیق روستا می‌باشد و در نتیجه با یکسانی واحد نمونه‌گیری و واحد تحقیق مواجه هستیم و در جامعه دوم واحد نمونه‌گیری خانوار و واحد تحقیق سرپرست خانوار می‌باشد.

روش نمونه‌گیری و تعیین حجم نمونه در جامعه اول

همان‌گونه که در قسمت شاخص توسعه روستایی مقاله آمده است با اعمال ضریب بر روی هر یک ضرایب از متغیرهای نسبت جمعیت باسواد، نسبت جمعیت شاغل، نسبت جمعیت فعال، امکانات سیاسی-اداری، امکانات زیربنایی، امکانات بهداشتی و امکانات ارتباطی هر روستا و جمع آن‌ها نمره امکانات توسعه‌ای هر روستا مشخص گردیده است. با در نظر گرفتن واریانس نمره امکانات توسعه‌ای، برابر با ۰/۰۸، که متضمن صفات اجتماعی-اقتصادی متعددی از جامعه مورد مطالعه می‌باشد. حجم نمونه برای جامعه اول از طریق فرمول زیر برآورد شده است.

$$n = \frac{N \cdot t^2 \cdot S^2}{N \cdot d^2 + t^2 \cdot S^2}$$

n = حجم نمونه

N = حجم جامعه

t = ضریب اطمینان در سطح ۰.۹۵٪

d = دقت احتمالی مطلوب

S^2 = پیش برآورد واریانس

از آنجایی که دامنه تغییر نمره امکانات توسعه‌ای از ۰/۷- تا ۱/۳۳ در نوسان بوده است و آبادی‌های برخوردار از نمره امکانات توسعه‌ای منفی (زیر صفر) شامل آبادی‌های زیر ۵ خانوار می‌شوند با توجه به ماهیت موضوع این نوع آبادی‌ها از جامعه مورد مطالعه حذف شده‌اند در نتیجه تعداد آبادی‌ها از ۲۰۷ مورد به ۱۶۵ روستا تقلیل پیدا کرده است و با طبقه‌بندی آن‌ها در سه گروه با فواصل برابر به لحاظ برخورداری از امکانات توسعه‌ای پایین ۲۶/۷ درصد در گروه با امکانات توسعه‌ای متوسط و ۱۰/۹ درصد در گروه با امکانات توسعه‌ای بالا قرار گرفته‌اند. با در نظر گرفتن فرمول فوق حجم نمونه برای جامعه اول به قرار زیر محاسبه شده است.

$$n = \frac{165 \times 1/96^2 \times 0/08}{165 \times 0/05^2 + 1/96^2 \times 0/08} = \frac{50/7}{0/72} = 70$$

از آنجایی که حجم نمونه نسبت به حجم جامعه نسبت بسیار بالایی (۰/۴۲) است برای محدودیت جمعیت و ارزیابی n برآورد شده در پرتو امکانات با استفاده از فرمول زیر مورد تصحیح قرار گرفته است و حجم نمونه ۴۹ روستا برآورد شده است.

$$n = \frac{n'}{1 + \frac{n'}{N}} = \frac{70}{1 + \frac{70}{165}} = \frac{70}{1/42} = 49$$

پس از تعیین حجم نمونه ۴۹ روستا را به نسبت و متناسب در سه گروه روستاهای با امکانات توسعه‌ای بالا، متوسط و پایین توزیع کردیم.

روش نمونه‌گیری و حجم نمونه در جامعه دوم

خانوارهای ساکن در روستاهای نمونه مورد مطالعه که تشکیل ۴۹ روستا با حجم ۶۲۳۳ خانوار را می‌دهند جامعه آماری دوم را شامل می‌شوند که برای تعیین حجم این جامعه از فرمول کوکران و براساس صفت جمعیت باسواد که متغیری مؤثر در این پژوهش بود با دقت احتمالی ۰/۰۵ و ضریب اطمینان ۰/۹۵ خانواده‌ها به سه طبقه مجزا تقسیم شدند و پس از تصحیح به

نسبت طبقات سه‌گانه ۱۰۵، ۱۰۶ و ۱۶۴ خانوار انتخاب شدند که در مجموع ۳۷۵ خانوار را شامل شدند.

تعریف متغیرها

در این تحقیق متغیر وابسته، مشارکت اجتماعی سازمان‌یافته و متغیرهای مستقل تأثیرگذار که جزء عناصر مفهومی تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی می‌باشند در دو بعد گرایشی و رفتاری (کنشی) شامل: اعتماد اجتماعی بین فردی، اعتماد اجتماعی نهادی، هنجار تمایل به کار گروهی و هنجار وفاق (تعامل و تعاون) اجتماعی می‌باشد.

مشارکت اجتماعی سازمان‌یافته، فرآیندی آگاهانه، داوطلبانه، جمعی و مبتنی بر برنامه و اهداف مشخصی است که به‌عنوان فعالیتی اجتماعی-اقتصادی در قالب انجمن‌ها، گروه‌ها و سازمان‌های محلی^۱ و غیردولتی^۲ است. اعتماد اجتماعی دلالت بر انتظارات^۳ و تعهدات^۴ اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی که افراد نسبت به یکدیگر و نسبت به سازمان‌ها و نهادهای مربوط به زندگی اجتماعی‌شان دارند، تعریف شده است. اعتماد به افراد، با مقوله‌های زیر عملیاتی شده است: اهالی این روستا تا چه اندازه نسبت به یکدیگر اعتماد دارند، اهالی این روستا تا چه اندازه نسبت به یکدیگر اعتماد دارند، تا چه اندازه روی قول و قرارهای خود هستند، تا چه اندازه ضمانت مالی همدیگر را می‌کنند، تا چه اندازه حاضرند به یکدیگر پول قرض دهند و تا چه اندازه حاضرند وسایل کار را به یکدیگر امانت دهند.

مقوله دوم که آن را تحت عنوان رضایت از دولت مطرح نمودیم دلالت بر میزان مقبولیت^۵، کارایی^۶ و اعتمادی است که مردم روستا به دولت دارند. میزان رضایت از دولت برحسب ارزیابی مردم روستایی از مأموران دولتی، در قالب ادارات، ارگان‌ها و نهادهای مختلف مرتبط با مردم روستایی مورد بررسی قرار گرفته است. گویه‌های شامل این مطلب که اهالی روستا تا چه اندازه به مأموران دولتی اعتماد دارند، مأموران تا چه اندازه کار اهالی روستا را زود راه می‌اندازند، تا چه اندازه در کارشان پارتی‌بازی است، تا چه اندازه به حرف مردم و اهالی روستا گوش می‌دهند و تا چه اندازه به حرف و قول‌شان عمل می‌کنند.

وفاق اجتماعی دلالت بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دارد که حاصل پذیرش و درونی نمودن نظام ارزشی و هنجاری یک جامعه و وجود تعلق اجتماعی (احساس کردن) و

1. Community Organizations

2. Non Governmental Organizations

3. Expectations

4. Commitments

5. Acceptability

6. Efficiency

تراکمی از تعامل در میان افراد آن جامعه است. برای سنجش این متغیر از شاخص میزان تعامل اجتماعی در بین روستاییان، میزان تعاون اجتماعی در بین روستاییان و میزان نزاع‌های جمعی طایفه‌ای و اختلافات سیاسی در بین روستاییان استفاده شده است. گویه‌های مربوط که براساس طیف لیکرت آورده شده است عبارتند از: «این روزها مردم بیشتر به فکر خودشان هستند و کمتر با یکدیگر رفت‌وآمد دارند، اهالی این روستا از این منظر چگونه‌اند، اگر خدا ناخواسته اتفاقی برای یکی از اهالی بیفتد مردم آبادی تا چه اندازه سراغ وضعیت او را می‌گیرند و حاضر به کمک او هستند»، «تا چه اندازه اهالی روستا در مسائل جزئی اهل بگومگو هستند»، «تا چه اندازه در این روستا نزاع و دسته‌کشی‌های طایفه‌ای وجود دارد و تا چه اندازه در این روستا بین اهالی آن اختلاف‌های سیاسی و خطی وجود دارد».

تمایل به فعالیت گروهی و جمعی^۱ نیز از دیگر متغیرهای این تحقیق بود که بیانگر روحیه همکاری، انگیزه کار گروهی و جمعی در بین افراد و برخوردار بودن از خصلت‌هایی چون دیگرخواهی، خیرخواهی و مشارکت‌جویی در فرد می‌باشد و برای سنجش آن از گویه‌هایی به این شرح استفاده شده است. «کار شراکتی و جمعی کمتر به نتیجه می‌رسد و به گرفتاری‌های آن نمی‌ارزد، جمع شدن اهالی روستا برای حل مشکلاتشان چندان مؤثر نیست، تصمیمات گروهی و جمعی بهتر از تصمیمات فردی است و فعالیت‌های جمعی و گروهی موفقیتشان از فعالیت‌های انفرادی بیشتر است».

یافته‌های پژوهش

جمعیت‌شناسی

محدوده تحقیق شامل جمعیت روستایی مناطقی از چهار شهرستان دشت آزادگان، اهواز، دهلران و شوش در استان خوزستان می‌باشد که در زیر حوزه آبریز سد کرخه قرار گرفته‌اند. کل منطقه براساس آخرین سرشماری انجام شده (۱۳۷۵) دارای جمعیت ۱۰۰۱۸۴ نفر می‌باشد. البته جمعیت منطقه در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ به ترتیب حدود ۱۰۰۱۸۴ نفر بوده است که علت کاهش جمعیت بین سال‌های فوق قرار گرفتن منطقه در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بوده است و بعد از سال ۱۳۶۵ رشد جمعیت سالانه ۱/۶ درصد را در منطقه داشته‌ایم. میانگین سنی جمعیت روستایی منطقه در سال ۱۳۷۵، ۲۰/۷ سال بوده که این عدد نسبت به سایر مناطق روستایی کشور که میانگین ۲۳/۲ را دارند حاکی از جوانی جمعیت در

1. Attitude of Group Activity

منطقه می‌باشد و این امر ضرورت کارآفرینی و ایجاد فرصت‌های شغلی در منطقه را ایجاب می‌کند.

میزان باسوادی بالای ۶ سال در حوزه آبریز ۵۳/۶ درصد است که این میزان برای مردان ۶۹ و برای زنان ۳۸ درصد می‌باشد و میزان باسوادی مناطق روستایی استان خوزستان در سال ۱۳۷۵ حدود ۶۵/۷ درصد بوده که این میزان نسبت به کل کشور ۶۹/۶ درصد، پایین‌تر می‌باشد. بنابراین جامعه مورد مطالعه سطح سواد بسیار پایینی نیز دارد که غالباً در سطح ابتدایی بوده و بنابراین هرگونه فعالیت‌های توسعه‌ای و ایجاد تشکل باید براساس این وضعیت در نظر گرفته شود و بنابراین نقش مروجان و دهقانان پیشرو در جلب نظر مردم منطقه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

براساس اطلاعات موجود میزان عمومی اشتغال در محدوده مورد بررسی در سال ۱۳۷۵ حدود ۱۷/۳ درصد بوده که از این تعداد ۵۷/۱ درصد در بخش کشاورزی به فعالیت اشتغال داشته‌اند. میزان بیکاری در قلمرو حوزه آبریز کرخه در سال ۱۳۷۵ حدود ۱۴/۲ درصد بوده که از این تعداد ۵۳ درصد باسواد و بقیه بیسواد بوده و سطح سواد اغلب بیکاران (۴۳/۱ درصد) نیز ابتدایی بوده است. از لحاظ سنی بیکاران منطقه بسیار جوان بوده و حدود ۵۳ درصد بیکاران نقاط روستایی محدوده مورد مطالعه در سال ۱۳۷۵ کمتر از ۲۰ سال سن داشته‌اند و سن ۸۰ درصد آن‌ها کمتر از ۳۰ سال می‌باشد. بدین ترتیب مهم‌ترین مسائل جمعیت‌شناختی در توسعه منطقه و ایجاد نظام‌های بهره‌برداری در قلمرو حوزه آبریز کرخه جوانی جمعیت، بالا بودن میزان بیسوادی در نقاط روستایی، بالا بودن میزان بیکاری در محدوده مورد مطالعه و بالأخره جوانی بیکاران در روستاهای محدوده مورد مطالعه می‌باشد.

شاخص توسعه یافتگی

ازجمله عوامل مؤثر در بسترسازی مناسب جهت طراحی، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری فعالیت‌های توسعه‌ای و ایجاد تشکل‌های کشاورزی شناخت شاخص توسعه‌یافتگی^۱ منطقه می‌باشد. در روستاهایی که شاخص توسعه از کیفیت مطلوبی برخوردار است و امکانات و تسهیلات زیربنایی فراهم است پتانسیل توسعه باعث کاهش هزینه‌های زیربنایی و سایر هزینه‌های رفاهی، بهداشتی و تحصیلاتی در جهت توسعه و ایجاد تشکل‌های کشاورزی خواهد شد.

1. Development Indicator

به منظور تعیین سطح توسعه‌یافتگی ابتدا روستاهای قلمرو مورد مطالعه مشتمل بر ۲۰۷ آبادی با استفاده از داده‌های آماری مربوط به مشخصات جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی چون کل جمعیت، تعداد خانوار، نسبت جمعیت باسواد، نسبت جمعیت شاغل، نسبت جمعیت فعال، وضعیت سیاسی، اداری (وجود شورای روستایی، مرکز خدمات روستایی، شرکت تعاونی روستایی، پاسگاه نیروی انتظامی و پایگاه مقاومت بسیج)، امکانات زیربنایی (آب لوله‌کشی و برق)، امکانات بهداشتی و درمانی (حمام، مرکز بهداشتی و درمانی، داروخانه، خانه بهداشت، پزشک، دندان‌پزشک، بهیار و مامای روستایی، بهداشت‌یار، بهورز، دام‌پزشک و تکنسین دام‌پزشکی) و وضعیت ارتباطات (پوشش امواج رادیویی و شبکه‌های تلویزیونی و امکانات پستی و مطبوعاتی) برحسب میزان برخورداری از امکانات توسعه‌ای تعیین نمره شد. سپس با تعیین نسبت‌های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی مربوط به هر روستا و تخصیص نمره‌های صفر و یک به وجود یا عدم وجود امکانات فوق فهرست داده‌های آماری لازم برای هریک از روستاها تهیه شد، سپس از طریق روش تحلیل عاملی^۱ ضرایب متغیرها و اهمیت هر متغیر در شاخص اندازه‌گیری گردید.

برحسب شاخص توسعه ساخته شده ۲۰۷ آبادی مذکور در سه سطح توسعه‌ای پایین، متوسط و بالا به این صورت طبقه‌بندی شدند که ۶۴/۳ درصد آبادی‌ها از سطح توسعه پایین برخوردارند و ۴۲/۲ درصد از سطح توسعه‌ای متوسط برخوردارند و ۱۱/۵ درصد از سطح توسعه‌ای بالا برخوردار هستند.

فرهنگ و قومیت

جامعه حوزه تحقیق جامعه‌ای سنتی است که اکثریت آن را عرب‌زبانان خوزستان تشکیل می‌دهند این جامعه از آنرو سنتی است که هنوز هم بخش اعظم مردم ترجیح می‌دهند که مناقشات و اختلافات خود را از طریق شیوخ و بنا بر عرف سازمان عشیره‌ای حل و فصل کنند. البته برخی از ارزش‌ها، هنجارها و شیوه‌های قومی عرب‌های حوزه آبریز کرخه ریشه در اعتقادات و باورهای دینی داشته و تعداد دیگری از ویژگی‌ها به باورهای قومی عرب‌های خوزستان بر می‌گردد.

اخوت و برادری دینی و عشیره‌ای: در میان عشایر عرب علاوه بر اعتقاد به اخوت و برادری اسلامی، احساس تعلق و برادری عشیره‌ای نیز دیده می‌شود و «صاحب حمیه» کسی است که

1. Factor Analysis

نسبت به افراد طایفه خود در برابر متجاوز جوانمردی دارد. (پورکاظم، ۱۳۷۵: ۱۲۳)

اطاعت و ارادت نسبت به رئیس عشیره: نوع رابطه افراد عشیره با رئیس و شیخ طایفه رابطه‌ای صمیمی و برادرانه است و رؤسای طایفه و عشیره معمولاً با افراد خود فامیل بوده و بنابراین صلب و خون مشترک نقش مهمی بر تحکیم این رابطه داشته و این همان چیزی است که نقش رؤسای طایفه را از خان متمایز می‌سازد. (همان: ۱۲۵)

احترام به ریش‌سفیدان و سادات: در میان اعراب، ریش‌سفیدان و سادات از احترام خاصی برخوردار هستند و این افراد در حل اختلافات ناشی از مسائل زناشویی، زمین و درگیری‌ها نقش ایفا می‌کنند. (طرفی، بی تا: ۲۲۶)

فصل به‌عنوان نمادی از سرمایه اجتماعی بین‌گروهی

فصل معانی زیادی دارد از جمله «فصل‌الخصومات» یعنی صدور حکم در زمینه پایان دادن به دشمنی‌ها که معمولاً بین دو قبیله یا طایفه صورت می‌گرفته، فصل مهم‌ترین سنت رفع اختلاف و دشمنی در بین عشایر عرب می‌باشد و در مسائل مربوط به قتل، جرح، هتک ناموس، نقص عضو، دزدی اموال و احشام، شهادت دروغ، مزاحمت و نزاع‌های دسته‌جمعی و موارد مشابه دیگر صورت می‌گیرد. به گونه‌ای که در هنگام وقوع جرم‌هایی که ذکر شد عشیره مجرم از طریق پادرمیانی بزرگ عشیره یا بزرگ عشیره مدعی از طریق پرداخت غرامت، نزاع و درگیری را فصل می‌کند.

البته مراسم مفصلی در این زمینه وجود دارد که گرفتن مهلت (عطوه)، چانه‌زنی‌ها، شدالرایه، فک‌الرایه و... از آن جمله است یکی از نکات قابل ملاحظه وجود صندوق در طایفه است که هر ساله بابت افراد بالای دوازده سال مبلغی توسط سرپرست خانواده به آن واریز می‌شود و مبلغ فصل گاهی اوقات تماماً و در برخی موارد قسمتی از این صندوق تأمین می‌شود. (همان: ۲۴۲-۲۴۵). نکته جالب این‌که صندوق طایفه در برابر خساراتی که ناشی از تصادف وسیله نقلیه بیمه نشده با فرد طایفه دیگر باشد به فرد طایفه در دفاع از وی برای فصل نزاع و درگیری تعهدی ندارد و این فشار هنجاری طایفه باعث می‌گردد که افراد طایفه وسیله نقلیه خویش را بیمه نمایند.

تعاون و همیاری در انجام دادن مراسم و کار (عونه): معمولاً در مراسم ازدواج همان‌گونه که در سایر نقاط ایران نیز رسم است مبلغی به‌عنوان هدیه به طرفین پرداخت می‌شود که در اول زندگی نقش حمایتی دارد. لیکن در انجام دادن مراسم عزاداری در بین عشایر عرب که معمولاً به مدت ۳ الی ۷ شبانه‌روز و با صرف هزینه فراوان در پذیرایی از افراد صورت می‌گیرد، صندوق طایفه

نقش مهمی در تأمین قسمتی از هزینه‌های مربوطه ایفا می‌کند. «عونه» که مؤنث عون به معنی مساعدت و یاری می‌باشد معمولاً در بین عشایر عرب خوزستان رایج است و شامل تعاون و همیاری عشایر در کارهایی مانند: شخم‌زدن، آبیاری، درو، جمع‌آوری محصول، ساخت خانه، پشم‌چینی گوسفندان، عبور دام‌ها از رودخانه توسط قایق و... می‌گردد. (طرفی، بی‌تا: ۲۴۰)

نقش زنان در میان عشایر عرب: زنان علاوه بر نقش مادری و تربیت فرزندان در اقتصاد خانواده نیز نقش مهمی بر عهده دارند. به گونه‌ای که زنان در مناطق روستایی به‌عنوان یک نیروی اقتصادی پر تلاش در کشاورزی فعالیت دارند و فعالیت‌های دیگری مانند: آسیاب کردن، برنج‌کوبی، ریسندگی، قالیبافی، تنورسازی، دامداری، چوپانی، تهیه علوفه برای دام، فروش فراورده‌های دامی و کشاورزی و را بر عهده دارند.

سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی

همان‌گونه که در بحث روش توضیح داده شد عناصر اصلی مفهوم سرمایه اجتماعی شامل، اعتماد اجتماعی بین فردی، اعتماد اجتماعی نهادی (اعتماد به مأموران دولتی)، هنجار تمایل به کار گروهی و هنجار وفاق اجتماعی (تعامل و تعاون اجتماعی) با مشارکت اجتماعی رابطه معنی‌دار و مستقیمی دارد.

جدول شماره ۲. رابطه عناصر اصلی مفهوم سرمایه اجتماعی با مشارکت اجتماعی

عناصر سرمایه اجتماعی	سطح معناداری	میزان همبستگی	جهت همبستگی	ضریب تعیین
اعتماد اجتماعی بین فردی	۰/۰۰۰	۰/۵۷۷	مستقیم	۰/۳۳
اعتماد اجتماعی نهادی	۰/۰۰۰	۰/۶۵۵	مستقیم	۰/۴۲
هنجار تمایل به کار گروهی	۰/۰۰۰	۰/۴۹۲	مستقیم	۰/۲۴
هنجار وفاق اجتماعی (تعامل و تعاون اجتماعی)	۰/۰۰۰	۰/۲	مستقیم	۰/۱۰

همان‌گونه که در جدول شماره (۲) ملاحظه می‌شود عناصر مفهومی سرمایه اجتماعی شامل اعتماد اجتماعی بین فردی، اعتماد اجتماعی نهادی، هنجار تمایل به کار گروهی و هنجار وفاق، (تعامل و تعاون اجتماعی) با متغیر وابسته مشارکت اجتماعی رابطه معنی‌دار و مستقیمی دارند به گونه‌ای که اعتماد اجتماعی نهادی بالاترین نوع رابطه را داشته و ۴۲ درصد واریانس متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی) را تبیین می‌نماید. بعد از آن متغیر اعتماد اجتماعی بین فردی بالاترین رابطه را با متغیر وابسته دارد و هنجار تمایل به کار گروهی و هنجار وفاق

اجتماعی (تعامل و تعاون اجتماعی) نیز به ترتیب تأثیر مستقیم و معنی‌دار کمتری بر متغیر وابسته مشارکت اجتماعی دارد.

از میان عناصر مفهومی سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی بین فردی، هنجار وفاق (تعامل و تعاون) اجتماعی و هنجار تمایل به کار گروهی در بیت از سایر گروه‌ها و دسته‌های اجتماعی بالاتر است و نتایج و دستاوردهای مطالعات موردی با روش کیفی در این تحقیق بر بالا بودن سرمایه اجتماعی بیت تأکید دارد.* و این به علت وجود روحیه اخوت و برادری عشیره‌ای، پایگاه اجتماعی ریش‌سفیدان و رئیس طایفه (فصل به‌عنوان نماد پذیرش مشروعیت) و تعاون و همیاری در انجام دادن مراسم (عونه) است. از طرفی چون برخی از عناصر مفهومی سرمایه اجتماعی که در بالا اشاره شد در سطح بیت بیش از افراد خارج از بیت وجود دارد. بنابراین سرمایه اجتماعی بیت نقش بالقوه‌ای برای ایجاد تشکل‌های تولیدی و مشارکت‌های اجتماعی و اقتصادی ایفا می‌نماید و یافته‌های تحقیق در قسمت بعدی نیز این موضوع را تأیید می‌کند.

نظام بهره‌برداری و ساختار عشیره‌ای

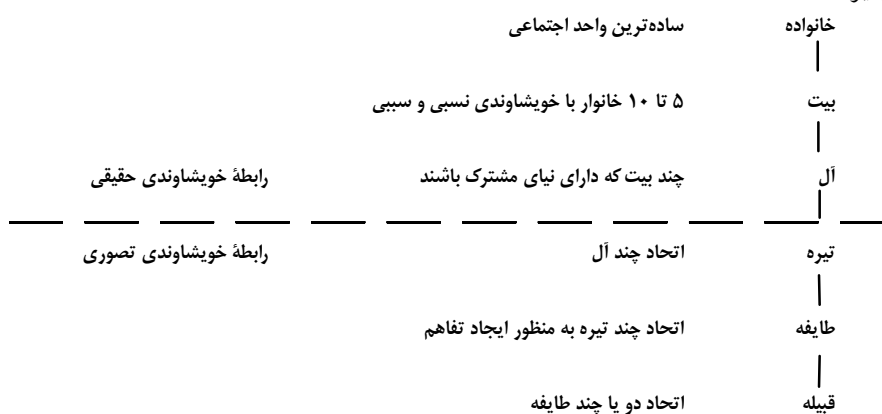
از نظر ساختاری کوچک‌ترین واحد اجتماعی در بین عشایر خانواده است. کوچک‌ترین تشکل ایلی از خانواده‌هایی که دارای دو یا سه و یا چهار پشت و نسب مشترک می‌باشند به وجود می‌آید. این تشکل در بین عشایر عرب تحت عنوان «بیت» نامیده می‌شود که در خود ۱۲ تا ۲۰ خانوار را جای می‌دهد. این تشکل امروزه همانند گذشته دارای کارکردهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است.

بانی هر یک از اعضای کوچک‌ترین رده ایلی (بیت)، خود فرزند یا یکی از فرزندان یک رده خویشاوندی نسبی واقعی بزرگ‌تر است که در بین عشایر با عنوان «آل» مشخص می‌شود. اعضای این رده علاوه بر اعضای خانواده برادران، عموزاده‌های درجه ۱ تا ۳ را شامل بوده و دارای سه، چهار و یا پنج پشت نسب مشترک هستند. این نوع تشکل حدود ۵۰ تا ۱۰۰ خانوار را شامل می‌شود و همانند بیت از کارکرد جدی در میان عشایر عرب خوزستان برخوردار است.

* علاقمندان می‌توانند برای آگاهی از نتایج این پژوهش در طرح «بررسی فن‌آوری‌های مشارکتی در تشکل‌های تولیدی در حوزه آبریز کرخه» مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۸۲ مراجعه کنند و پیرامون فن‌آوری‌های مشارکتی در زمینه تشکل‌های تولیدی و نتایج مطالعات کیفی و موردی بر روی تشکل‌های تولیدی بیت مطالب بیشتری به دست آورند.

از دیاد نسل یک خانواده در طی سال‌های متوالی (۴ تا ۶ نسل) به وجود آورنده یک آل است. این گروه بزرگ‌ترین گروه نسبی حقیقی است. اعضای این گروه‌ها به علت همسرگزینی درونی دارای روابط سببی و نسبی حقیقی می‌باشند. تفاوت این تشکل با سایر رده‌های کوچک‌تر فقط شمار نسل‌هاست و علاوه بر آن کارکرد این تشکل در بین عشایر عرب بیش از عشایر غیر عرب است.

اشکال دیگری از سازمان‌های اجتماعی در بین عشایر منطقه وجود دارد که متکی بر خویشاوندی واقعی نیستند که از آن‌ها با عنوان سازمان‌های خویشاوندی آرمانی یاد می‌شود. اتحاد دو یا چند رده خویشاوندی بزرگ به منظور ایجاد تفاهم تشکیل یک «تیره» را می‌دهند. اتحاد دو یا چند تیره یک طایفه را به وجود می‌آورد و از اتحاد دو یا چند طایفه یک «قبیله» شکل می‌گیرد.



نمودار شماره ۳. ساختار عشیره‌ای اعراب خوزستان

ساختار عشیره‌ای در میان عشایر حوزه آبریز کرخه

در گذشته در حوزه آبریز کرخه نظام بهره‌برداری عشیره‌ای شیوه غالب تولید زراعی در آبادی‌های عرب‌نشین به شمار می‌رفت. بخش عمده‌ای از آبادی‌های منطقه مورد بررسی خالصه و متعلق به دولت بود که در اختیار شیوخ و رؤسای طوایف قرار داشت و نظام بهره‌برداری در این آبادی‌ها «ارباب-رعیتی» بوده است.

نتایج مطالعات میدانی نیز نشان می‌دهد که در ۷۷ درصد آبادی‌های نمونه در محدوده مورد مطالعه نظام بهره‌برداری عشیره‌ای رواج داشته است. بعد از اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ روند

فروپاشی نظام بهره‌برداری عشیره‌ای و طایفه‌ای در جامعه روستایی مورد بررسی، سرعت‌گرفت به گونه‌ای که بعد از اصلاحات ارضی در سال ۴۱ تقسیم اراضی تحت تصرف شیوخ در بین زارعین و برخورداران آنان از نسق زراعی در ۶۱/۲ درصد از آبادی‌های نمونه دیده می‌شود و سایر تغییرات مانند رونق کشت و کار فردی بر اثر واگذاری زمین به زارعین و کم‌رنگ شدن نظام بهره‌برداری عشیره‌ای با ۲۲/۲ درصد و واگذاری اراضی مرغوب به بزرگان طایفه و شیوخ و زمین‌های لم‌بزرع به زارعین با ۱۶/۶ درصد در محدوده مورد مطالعه از زمره نتایج این اصلاحات بوده است.

امروزه به‌رغم تغییراتی که بعد از اصلاحات ارضی صورت گرفت، در آبادی‌های عرب‌نشین، شیخ و بزرگ طایفه وجود دارد و زارعان در بعضی مناطق تحت نظر وی کار می‌کنند لیکن تصمیم‌گیری‌ها در ظاهر مشورتی است و از حالت تحکم خارج شده است.

در حال حاضر تنها در ۱۰/۵ درصد آبادی‌های نمونه نظام بهره‌برداری عشیره‌ای رواج داشته و در ۸۷/۵ درصد آبادی‌ها این نوع نظام منسوخ شده است. در آبادی‌هایی که نمونه بهره‌برداری عشیره‌ای رواج دارد ۶۰ درصد تشکل‌های گروهی در خصوص لایروبی و انتقال آب به مزرعه و در ۳۳/۳ درصد در زمینه آبیاری و ۱۶/۷ درصد از آبادی‌ها نیز مشارکت‌های تولیدی براساس مراحل کاشت، داشت و برداشت صورت می‌گیرد.

نظام عشیره‌ای با سیطره بازار بر بخش کشاورزی، ترکیب کشت و رونق کشت تجاری در حال فروپاشی و تبدیل به بهره‌برداری دهقانی است اما حرف‌شنوی و تبعیت از بزرگ طایفه عامل مؤثری در اعمال مدیریت تولید به‌شمار رفته و بستر مناسبی در جهت یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی و شکل‌دهی به تشکل‌های بهره‌برداری محسوب می‌گردد.

تشکل‌های تولیدی مبتنی بر بیت

در حوزه آبریز مورد مطالعه پس از گردآوری اطلاعات ناشی از پیمایش و استخراج اطلاعات از ۳۱۴ واحد بهره‌برداری، نتایج مورد انتظار که از مشاهدات میدانی اولیه و مطالعات موردی در منطقه به‌دست آمده بود تأیید گردید. همان‌گونه که در جدول شماره (۳) ملاحظه می‌شود شیوه بهره‌برداری از اراضی تحت تصرف مکانیزه (بالای ۵۰ هکتار) برحسب میزان زمین در بهره‌برداری‌های فردی ۲۶/۲ درصد و در بهره‌برداری جمعی ۶۸/۴ درصد می‌باشد و بنابراین بیشترین میزان نوع بهره‌برداری در این منطقه به بهره‌برداری جمعی تعلق دارد و نوع غالب در شیوه بهره‌برداری واحدهای مکانیزه به‌صورت جمعی می‌باشند.

جدول شماره ۳. شیوه بهره‌برداری از اراضی تحت تصرف واحدهای بهره‌برداری مکانیزه (بالای ۵۰ هکتار) بر حسب میزان زمین در حوزه آبریز کرخه (دهستان چنانه)

جمع		نامشخص		جمعی		فردی		شیوه بهره‌برداری میزان زمین (هکتار)
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۰۰	۱۲۷	۵/۵	۷	۵۹/۸	۷۶	۳۴/۷	۴۴	تا ۵۰ هکتار
۱۰۰	۱۶۶	۶	۱۰	۷۵/۴	۱۲۵	۱۸/۶	۳۱	۵۱-۱۰۰
۱۰۰	۹	-	-	۴۵/۵	۴	۵۵/۵	۵	۱۰۱-۱۵۰
۱۰۰	۱۲	-	-	۸۳/۴	۱۰	۱۶/۶	۲	بیشتر از ۱۵۰
۱۰۰	۳۱۴	۵/۴	۱۷	۶۸/۴	۲۱۵	۶۲/۲	۸۲	جمع

با مراجعه به جدول شماره (۳) نکته جالبی که در بحث به آن اشاره کرده‌ایم ملاحظه می‌شود و آن این‌که در نظام‌های بهره‌برداری مکانیزه در دهستان چنانه از حدود ۷۰ درصد بهره‌برداری‌های جمعی مورد اشاره، حدود ۶۲/۲ درصد از افراد هر واحد مکانیزه جمعی عضو یک بیت بوده‌اند و ۳۰/۲ درصد افراد واحد جمعی مکانیزه از یک طایفه بوده‌اند و ۷/۶ درصد دیگر نیز غیر خویشاوند می‌باشند.

جدول شماره ۴. نوع رابطه بین اعضای گروه در واحدهای بهره‌برداری مکانیزه (بالای ۵۰ هکتار) در دهستان چنانه

نوع رابطه	تعداد	درصد
عضو بیت	۹۷	۶۲/۲
عضو طایفه	۴۷	۳۰/۲
غیر خویشاوند	۱۲	۷/۶
جمع	۱۵۶	۱۰۰

بنابراین ملاحظه می‌شود که در دهستان چنانه بیت به‌عنوان یک واحد و تشکل اصلی در بهره‌برداری‌های مکانیزه بوده و افراد متعلق به یک بیت در کنار یکدیگر به خوبی توانسته‌اند در فعالیت کشاورزی در واحد بهره‌برداری خود به‌صورت موفق عمل کنند. نتایج مطالعات میدانی در ۶۴ واحد مکانیزه در دشت عباس که به‌طور نمونه مورد مطالعه

قرار گرفتند نیز حاکی از آن است که عضویت در بیت و گروه‌های خویشاوندی به‌عنوان عمده‌ترین عامل در تشکل‌های تولیدی نقش ایفا می‌کنند. بنابر این مطالعه در واحدهای مذکور که در بیش از ۶۶ درصد بین ۱۰۱ تا ۱۰۵ هکتار وسعت داشته‌اند و عمدتاً براساس نسبت‌های دودمانی و به‌صورت جمعی عمل می‌کردند، عامل خویشاوندی نقش مهمی را داشته است.

جدول شماره ۵. نوع رابطه خویشاوندی در میان اعضای واحدهای بهره‌برداری بالای ۵۰ هکتار در دشت عباس

نوع رابطه	تعداد	درصد
خویشاوندان درجه ۱	۳۰	۴۸/۳
اعضای بیت	۱۹	۳۰/۶
عضو طایفه	۱۳	۲۱
جمع	۶۲	۱۰۰

همان‌گونه که جدول شماره ۵ (۵) نشان می‌دهد در بیش از ۴۸ درصد از واحدهای بهره‌برداری مکانیزه خویشاوندان درجه یک که در واقع اعضای یک بیت را تشکیل می‌دهند در بهره‌برداری از اراضی به‌صورت گروهی و جمعی عمل می‌کنند، حدود ۳۰ درصد اعضای یک بیت را تشکیل می‌دهند.

جدول شماره ۶. نحوه بهره‌برداری از تعاونی‌های مشاع در دشت عباس

نحوه بهره‌برداری	تعداد	درصد
فردی	۳	۲/۷
گروه‌های فرعی	۱۲	۲۰/۹
جمعی	۹۵	۸۶/۳
جمع	۱۵۶	۱۰۰

پیرامون نحوه بهره‌برداری از تعاونی‌های مشاع همان‌گونه که در جدول شماره ۶ (۶) می‌بینیم حدود ۸۶ درصد از این واحدهای بهره‌برداری به‌صورت گروهی فعالیت می‌کنند و حدود ۱۰ درصد از مشاع‌ها به واحدهای فرعی تبدیل شده‌اند و درصد ناچیزی نیز بهره‌برداری به‌صورت فردی انجام می‌گیرد.

جدول شماره ۷. نوع رابطه بین اعضای تعاونی تولیدی مشاع به صورت گروهی در دشت عباس

نوع رابطه	تعداد	درصد
خویشاوندان درجه ۱	۶۲	۵۶/۴
عضو بیت (غیر خویشاوندان درجه ۱)	۲۰	۱۸/۲
غیر خویشاوندی	۱۸	۱۶/۴
جمع	۱۱۰	۱۰۰

همان‌گونه که از جدول شماره (۷) ملاحظه می‌شود بررسی نوع رابطه میان اعضای مشاع حکایت از آن دارد که در ۵۶/۴ درصد از واحدهای تولیدی که هنوز به صورت گروهی بهره‌برداری می‌کنند، خویشاوند درجه یک محسوب می‌شوند. در ۱۸/۲ درصد از موارد، اعضای مشاع را خویشاوندان یک بیت تشکیل می‌دهند. و در ۱۶/۴ درصد از موارد نیز عضویت در طایفه ملاک دوام همکاری اعلام شده است.

نتیجه‌گیری

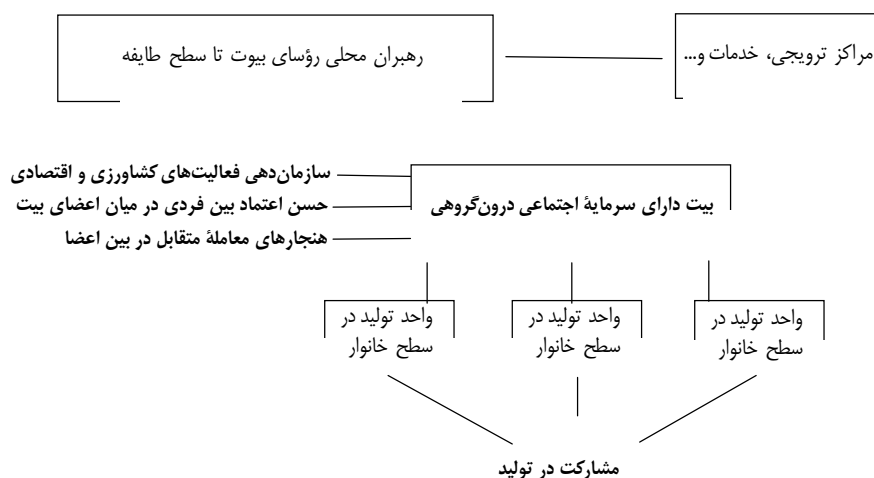
ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی، ارزش‌ها، هنجارها و شیوه‌های قومی عرب‌ها که ریشه در اعتقادات و باورهای دینی دارد نقش مهمی در وحدت و انسجام گروهی طوایف عرب ایفا می‌نماید. صور مختلف همیاری و مشارکت در قالب مراسم عزاداری، عروسی، فصل، عونه یا تعاون، اخوت و برادری دینی و عشیره‌ای و اطاعت و ارادت نسبت به سادات، ریش‌سفیدان و بزرگان طایفه همراه و همگام با کارهای جمعی مانند لایروبی نهر برای انتقال آب به مزرعه، همکاری در فعالیت‌های کشاورزی و همیاری‌های مشترک در امور دام از مصادیق رفتارهای مشارکتی قومی و عشیره‌ای به‌ویژه در آبادی‌های عرب‌نشین حوزه آبریز کرخه می‌باشد.

همان‌گونه که قبلاً آمد در بین عشایر عرب خوزستان کوچک‌ترین شکل «بیت» نام دارد که ۱۲ تا ۲۰ خانوار و در برخی از موارد ۵۰ خانوار را در خود جای می‌دهد و این تشکل امروزه نیز دارای کارکردهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. براساس یافته‌های تحقیق روابط و مناسبات عشیره‌ای و عضویت در بیت برای نمونه در دشت عباس سبب شده تا در نظام‌های بهره‌برداری خانوادگی و تعاونی‌های تولید در بین عشایر عرب‌زبان همکاری‌های اعضای بیت

بیشتر از کردها و لرهای منطقه رواج یابد. حضور معنوی و نفوذ شیخ در نظام بهره‌برداری عشیره‌ای به همراه استفاده از دانش سنتی و شیوه تولید درون‌زایی بومی و وجود بیت به منزله سازمان تولید در آبادی‌های عرب‌نشین پتانسیل بالایی را برای تقویت نظام‌های مطلوب بهره‌برداری فراهم نموده است. بیت به‌عنوان یک واحد عینی و ملموس از قرابت خونی نسبی، اهمیت و نقش مهمی در ساخت‌دهی به شیوه تولید بهینه با اتکا بر فن‌آوری‌های مشارکتی در بستر یک سازمان اجتماعی ایفا می‌نماید.

همان‌گونه که در قسمت‌های قبل موارد متعددی در تأیید بیت به‌عنوان یک واحد مشارکتی تولیدی بهینه آورده شده از دیدگاه رؤسای خانوارهای بهره‌بردار آبادی‌های نمونه مهم‌ترین فایده نظام بهره‌برداری عشیره‌ای جلوگیری از خرد شدن اراضی مزروعی و حفظ یکپارچگی اراضی می‌باشد که ۳۹/۷ درصد به آن اشاره کرده‌اند، سپس به ترتیب «تصمیم‌گیری بهتر»، «اعمال مدیریت تولید به نحو مطلوب» و «افزایش میزان مشارکت‌های تولیدی» با ۲۷، ۱۷/۵، ۱۵/۸ درصد از سایر فواید نظام بهره‌برداری عشیره‌ای به‌شمار می‌رود.

درواقع افراد عضو بیت در کلافی از وظایف و مسئولیت‌های متقابل همراه با هنجارهای عمومی اعتماد و معامله متقابل از روابط نزدیکی برخوردار هستند که همراه با شبکه‌های درون‌گروهی بیت نوع دیگری از روابط و شبکه‌ها وجود دارد که بین گروهی بوده و بیت‌ها را در قالب و شکل زیرمجموعه طوایف خود به یکدیگر مرتبط می‌سازد. یعنی دامنه شعاع اعتماد در سطح بیت مانع از ارتباط بیوت طایفه با یکدیگر نمی‌گردد. در این رابطه نمی‌توان به‌طور دقیق در مورد بیوت مستقر در منطقه تحقیق اظهار نظر کرد اما باید گفت هرچه یک بیت برون‌گرایی مثبتی نسبت به اعضای بیوت دیگر داشته باشد، شعاع اعتماد بیت از حد داخلی آن فراتر می‌رود و به بیوت دیگر کشانده می‌شود که در تشکیل اتحادیه‌ای از بیوتات در آینده قابل توجه است. بنابراین از مجموع یافته‌های تحقیق به‌نظر می‌رسد که می‌توان از سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در واحد بیت برای انجام دادن فعالیت‌های اقتصادی و کشاورزی سود جست و از نفوذ ریش‌سفیدان، اعتماد، هنجارهای معامله متقابل و مشارکت موجود در بیت استفاده کرد و در بعد فعالیت‌های ترویجی و آموزشی نیز نفوذ شیخ طایفه می‌تواند سرمایه اجتماعی بین‌گروهی (بین بیت‌ها) را تسهیل نماید. بنابراین ریش‌سفیدان بیت و شیوخ در سطح طوایف می‌توانند نقش ارشادی، ترویجی و هدایت‌گر در فعالیت‌های کشاورزی مانند: طرح تسطیح، شبکه‌بندی، ایجاد کانال‌های درجه ۳ و ۴ و زهکشی، یکپارچه‌سازی اراضی، حل مسائل و مشکلات زمین میان افراد طایفه و بیت، ایجاد برخی از تشکلهای آبیاری (گروه‌های هم‌آب) و یا کشاورزی تحت عناوین مختلف داشته باشند.



نمودار شماره ۳. شکل‌های تولیدی و سرمایه اجتماعی بیت

منابع

- پاتنام، روبرت. (۱۳۸۰). *دموکراسی و سنت‌های مدنی*. ترجمه دلفروز، تهران: انتشارات روزنامه سلام.
 پال آ. ماندی و چی لین کامپتان. (۱۳۷۹). *نظام دانش و اطلاعات*. ترجمه: شعبانی و حسینی‌نیا.
 پورکاظم، حاج کاظم. (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی قباایل عرب خوزستان*. تهران: نشر آمه.
 طرفی، حمید. (بی‌تا). *بنی طرف یا قومی از «طی»*، دفتر بررسی و تحقیقات فرهنگی اداره کل امور اجتماعی استانداری خوزستان.
 کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
 Gouldner, W. (1960). The Norm of Reciprocity: A preliminary Statement, *American Sociological Review*, 25.
 Granovetter, M. (1985). Economic Action and social structure: the problem of Embeddedness. *American Journal of Sociology*, 91: 485.
 North (1994). Institutions, Institutional change and Economic performance, pp 36-45.
 Well Ellen, Ferrazi Gabriele and schryer Frans. (1998). Getting the Goods on Social Capital, *Rural Sociology*, 63 (2).
 William, B. Formal Structures and Social reality in trust, ed Gambetta, p. 8, p. 12.
 Woolcock, Michael and Nary an Deepak. (2000). Social capital: Implication For Development Theory, Research and Policy, The Word Bank research observer, 15: 2, pp 225-49.
 مصطفی ازکیا عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است.
 سید احمد فیروزآبادی پژوهشگر مسائل توسعه است.